

Iran's Foreign Policy Requirements in the Second Step Statement

Received: 2019-12-29

Accepted: 2019-11-16

Muhammad Sotoudeh *

In this research with a futuristic approach, the most important foreign policy requirements of the second step of the revolution have been explained from the perspective of the supreme leader. In this context, the requirements of Iran's foreign policy have been examined with regard to trends, outcome of trends, proponents, obstacles and events affecting the process. In explaining trends, foreign policy requirements for a more realistic and comprehensive study of the past process, and identifying its strengths and weaknesses, have been addressed in order to reinforce the strengths and weaknesses of the past. In discussing the consequences of the process, we have preserved past achievements and institutionalized the balance of modern regional power. We have also identified and exploited international opportunities and elaborated threat control strategies to overcome obstacles. In examining the proponents, we have also fostered revolutionary spirit and jihadist action, supported the process of Islamic awakening, and institutionalized Iran-Russia strategic relations. In explaining the implications of the impact of events on the process, identifying and supporting the events and signs of the event, identifying the challenges ahead, setting goals and future strategies. It also includes the foreign policy requirements of Iran to chart the



Vol 22, No. 87, Autumn 2019

* Associate Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (sotudeh@bou.ac.ir).

preferred future of foreign policy, namely the achievement of a new Islamic civilization, the promotion of Iran to the level of advanced countries and the creation of a powerful bloc of the Islamic world and strategies to achieve it - including the formulation of a foreign policy theory by the revolutionary state. We have reviewed.

Keywords (English): Foreign Policy, Second Step Statement, Ayatollah Ali Khamenei, International Relations, Foreign Relations.



الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه‌ی گام دوم*

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۷

تاریخ تأیید: ۹۸/۸/۲۵

محمد ستوده**

در این پژوهش با رویکردی آینده‌پژوهانه، مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین شده است. در این راستا، الزامات سیاست خارجی ایران با توجه به روندها، پیامد روندها، پیش‌ران‌ها، موانع و رویدادهای موثر بر روند مورد بررسی قرار گرفته است. در تبیین روندها، به الزامات سیاست خارجی جهت مطالعه‌ی واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌ی روند گذشته، و شناخت نقاط قوت و ضعف آن به‌منظور تقویت موارد قوت و مثبت و رفع نارسایی‌ها پرداخته شده است. در بحث پیامدهای روند، به حفظ دستاوردهای گذشته و نهادینه کردن موازنه‌ی قدرت نوین منطقه‌ای پرداخته‌ایم. همچنین شناخت و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و تبیین راهبردهای کنترل تهدیدها را جهت غلبه بر موانع تبیین نموده‌ایم. در بررسی پیش‌ران‌ها نیز به تقویت روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی، حمایت از روند بیداری اسلامی و نهادینه کردن روابط راهبردی ایران و روسیه پرداخته‌ایم. در بیان الزامات مربوط به تاثیر رویدادها بر روند، شناخت نشانه‌ها و روندهای تحقق رویدادها و حمایت از آن‌ها، ترسیم چالش‌های فرارو، تعیین اهداف و راهبردهای آینده را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. در الزامات سیاست خارجی ایران مربوط به ترسیم آینده‌ی مرجح سیاست خارجی، یعنی دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی، ارتقای جایگاه ایران به سطح کشورهای پیشرفته و ایجاد بلوک قدرت‌مند جهان اسلام و راهبردهای نیل به آن - از جمله تدوین نظریه‌ی سیاست خارجی دولت انقلابی - را نیز بررسی کرده‌ایم.

* این مقاله مربوط است به همایش ملی «بیانیه گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی» که در دفتر تبلیغات اسلامی در بهمن ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد.

** دانشیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (sotudeh@bou.ac.ir).



کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، بیانیه‌ی گام دوم، آیت‌الله خامنه‌ای، روابط بین‌الملل، روابط خارجی.

مقدمه

سیاست خارجی ایران در چهل سال اول خود با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه بوده و دستاوردهای زیادی نیز داشته است. آن‌چه در بیانیه‌ی گام دوم مورد اهمیت است، ترسیم داشته‌ها و موانع راه سیاست خارجی در گام نخست، و تبیین نقشه‌ی راه و افق‌های آینده‌ی سیاست خارجی با توجه به ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی است. براین اساس بیانیه‌ی گام دوم ناظر به حرکت، جهت‌دهی و کنش‌های سیاست خارجی در آینده‌ی قابل پیش‌بینی است و معطوف به بایدها و الزامات با توجه به شرایط موجود، اقتضائات محیطی، توان و قدرت کشور و تغییرات آینده است. در پاسخ به این سوال اصلی که "چگونه می‌توان الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه‌ی گام دوم را تبیین نمود؟" تلاش می‌شود با رویکرد هنجاری و بهره‌گیری از ادبیات مفهومی آینده‌پژوهی، الزامات سیاست خارجی را در قالب روندها، رویدادها، آینده‌ی مطلوب و راه‌های نیل به آن بررسی کنیم.

۱. چهار چوب مفهومی

درباره‌ی نگاه به آینده و رویکردهای به آن دیدگاه‌های متعددی بیان شده است. «آینده‌پژوهی، دانش و معرفت شکل‌بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، فعال و پیش‌دستانه است؛ دانشی که می‌تواند رویاها، آرزوها و آرمان‌های یک فرد، سازمان یا یک ملت را برآورده سازد» (زالی، ۱۳۹۲، ص. ۲۲). ترسیم آینده با توجه به آرمان‌ها می‌تواند آینده‌ی محتمل، مرجح و آرمانی را شامل شود. آینده مرجح همان آینده‌ی مطلوبی است که با توجه به امکانات و تغییرات محیطی امکان رسیدن به آن وجود دارد (حاجیان، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۱).

در مطالعه‌ی آینده، رویکردها و روش‌های متعددی از جمله اکتشافی، هنجاری و تصویرپردازی بیان شده است. در رویکرد هنجاری از یک موقعیت مطلوب و آرمانی در آینده شروع شده و چگونگی تحقق آن بررسی می‌شود. بحث این است که با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌ها و باورها، آینده‌ی مطلوب را چگونه باید ساخت؟ در این رویکرد از زمان حال شروع می‌شود و تلاش می‌شود آینده‌ی مطلوب ساخته شود (احمدی، قائدی و خوشحال، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۸) برای ترسیم آینده‌ی مطلوب یا مرجح با سوالات زیر مواجهیم: روند موجود، موانع و پیش‌ران‌های آن چیست؟ چه وضعیت یا موقعیتی در آینده باید وجود داشته باشد؟ راهبردها و راهکارهای نیل به آینده‌ی مرجح چیست؟

با توجه به سه سوال فوق می‌توان سؤالات زیر را با توجه به روند سیاست خارجی ایران با تأکید بر بیانیه‌ی گام دوم مطرح نمود: سیاست خارجی ایران چه روندی را تاکنون طی نموده است؛ موانع و پیش‌ران‌های آن چیست؟ وضعیت یا موقعیت آینده‌ی مرجح سیاست خارجی ایران چیست؟ راهبردها و راهکارهای دستیابی به آینده‌ی مرجح یا مطلوب چیست؟

در مطالعه‌ی الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم باید مشخص شود که جهت‌گیری‌ها، روندها و کنش‌های سیاست خارجی چگونه باید باشند و وضعیت مطلوب سیاست خارجی چیست؟ در این راستا در مطالعات آینده‌پژوهی به چهار مرحله‌ی: تبیین روندها، بیان رویدادها، آینده‌ی متصور و اقدامات نیل به آن پرداخته می‌شود (اسلاتر و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۹) که می‌تواند در تبیین الزامات سیاست خارجی ایران در گام دوم مورد استفاده قرار گیرد.

باتوجه به مطالب فوق، سؤالات و الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب را می‌توان در جدول زیر ترسیم نمود:

| ردیف | مراحل | پرسش‌های آینده‌پژوهانه | پرسش‌های سیاست خارجی و الزامات آن |
|------|--------------|--|--|
| ۱ | فرایندها | روند موجود، موانع و پیش‌ران‌های آن کدام است؟ | سیاست خارجی ایران چه روندی را تاکنون طی نموده است؛ موانع و پیش‌ران‌های آن کدام‌اند؟ الزامات آن کدام است؟ |
| ۲ | رویدادها | رویدادهای موثر بر روند در آینده چیست؟ | رویدادهای موثر بر روند سیاست خارجی ایران در آینده کدام است؟ چه الزاماتی در این زمینه وجود دارد؟ |
| ۳ | آینده‌ی مرجح | چه وضعیت یا موقعیتی در آینده باید وجود داشته باشد؟ | وضعیت یا موقعیت مرجح سیاست خارجی ایران کدام است؟ الزامات آن چیست؟ |
| ۴ | راهبردها | راهبردهای نیل به آینده‌ی مرجح کدام است؟ | راهبردها و الزامات دستیابی به آینده مرجح یا مطلوب چیست؟ |





با توجه به مطالب فوق می‌توان سیاست خارجی ایران را در چهار محور، با رویکرد هنجاری جهت نیل به وضع مطلوب مورد مطالعه قرار داد و الزامات آن را نسبت به هر دوره بیان نمود:

۲. مطالعه‌ی روندها در سیاست خارجی

سیاست خارجی ایران در طول چهل سال گذشته روند مشخصی را، به‌ویژه پس از هژمون شدن گفتمان انقلابی، طی نموده است. روندها می‌توانند سه دسته باشند: روندهایی که استمرار حال و گذشته است؛ روندهای ادواری؛ و روندهای معطوف به مسائل نوظهور (اسلاتر و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی کشور دستخوش تغییرات بنیادین شد. تا قبل از انقلاب اگر ایران در روابط و تعامل خود با سایر کشورها وابسته به بلوک غرب به رهبری آمریکا بود، پس از آن سیاست نه شرقی - نه غربی مبنای سیاست خارجی ایران قرار گرفت و امام خمینی آن را سیاست ابدی سیاست خارجی کشور نامیدند. رفتارها و مواضع ایران اسلامی در مسائل منطقه‌ای و جهانی تحت این سیاست کلان قرار گرفت. در دوران جنگ تحمیلی، سازندگی، تنش‌زدایی، اصول‌گرایی و اعتدال‌گرایی روندهای تسلیم‌ناپذیری در برابر نظام استکباری، حمایت از ملل مظلوم و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با سایر دولت‌ها را طی نموده‌ایم که به دو مورد از آن پرداخته می‌شود:

۲،۱. تسلیم‌ناپذیری در برابر نظام استکباری

یکی از ویژگی‌های روند گذشته انقلاب ایران که در آینده نیز لازم است ادامه یابد، معطوف به مواجهه با نظام سلطه‌ی بین‌المللی است. در نظام سلطه، دو دسته کشورهای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر وجود دارند. ایران اسلامی در سیاست خارجی خود بر اساس اصل عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نه تنها با اعمال سلطه و مداخله در سایر کشورها مخالفت نموده، بلکه تسلیم سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ نیز نشده است. ایران در این زمینه هزینه‌های زیادی را از اول انقلاب در قالب تحریم‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل متحد متحمل شده است (Alikhani، 2000، صص. ۶۶-۷)؛ تحریم‌ها در دوره‌ی پس‌اقدام نیز ادامه دارند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

نماد پر اِبهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و



گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

از سوی دیگر در روند گذشته در هیچ موردی ایران اسلامی آغازگر اقدام نظامی نبوده و همواره از خود و آرمان‌های انقلاب در برابر قدرت‌های استکباری دفاع نموده است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضریب متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. (همان)

۲.۲. حمایت از مظلومان در برابر ظالمان

مطالعه‌ی روند گذشته‌ی رفتار سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که براساس آموزه‌های انقلاب، حمایت از ملل محروم و مستضعف همواره در دستور کار سیاست خارجی بوده، و این حمایت که با صداقت و صراحت صورت گرفته است از نقاط قوت و سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. حمایت از مظلومان بیان‌گر عدالت‌خواهی و حق‌طلبی ایران اسلامی است که در میان آن‌ها حمایت از ملت فلسطین همواره در دستور کار بوده است.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۳. پیامد روندهای سیاست خارجی

روند سیاست خارجی ایران در چهل سال گذشته نشان می‌دهد که سطح تعاملات خارجی ایران با کشورها رو به تزاید بوده و توانسته است به‌عنوان جریان ثالث در مواجهه با قدرت‌های استکباری ظاهر شود و این جریان پیامدهای زیادی نیز به‌نفع ملت ایران و جهان اسلام و ملل تحت ستم به‌همراه داشته است.



۳,۱. جلوگیری از سلطه‌ی قدرت‌های خارجی بر کشور

با پیروزی انقلاب، طرح‌ها و توطئه‌های آمریکا جهت براندازی نظام اسلامی و اعاده‌ی سلطه خود بر ایران شدت گرفت. کودتای نوژه، حمله‌ی نظامی به طیس و جنگ تحمیلی هشت ساله توسط صدام از جمله‌ی آن‌ها بود (Hiro, 1989). در این زمان با رهبری امام و جان‌فشانی ملت ایران، تمامیت ارضی کشور حفظ شد و نظام‌سازی و پایه‌ریزی مردم‌سالاری دینی شکل گرفت. در مقطع پس از جنگ نیز مسیر عمران و پیشرفت کشور با هدایت مقام معظم رهبری ادامه یافت و سیاست خارجی ایران توانست استقلال و عزت ملی کشور را در برابر قدرت‌های سلطه‌گر حفظ نماید.

مقام معظم رهبری با اشاره به اعتراف قدرت‌های سلطه‌گر به ناتوانی خود در برابر

قدرت انقلاب ایران می‌فرمایند:

قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدان جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان درباره‌ی پیامدهای روند انقلاب و ایستادگی در برابر قدرت‌های استکباری که با روحیه‌ی جهادی و انقلابی به‌دست آمده است، می‌فرمایند:

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تاثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. (همان)

۳,۲. شکل‌گیری نظام بین‌الملل سه قطبی و دوگانه‌ی "اسلام و استکبار"

با قدرت‌یافتن انقلاب و شکل‌گیری نظام سیاسی کشور، الگوی بازی گر ثالث در سیاست

خارجی ایران نمایان شد و توانست بدون وابستگی به قطب‌های قدرت به حیات خود ادامه دهد. ایران اسلامی از یک کشور وابسته و عقب‌مانده به تدریج به یک کشور مستقل و در حال توسعه تبدیل شد و بر منابع مادی و معنوی قدرت خود تکیه نمود. آنچه مسلم است برای تبدیل شدن به یک قطب جدید در ساختار نظام بین‌الملل، زمینه‌ها و شرایط متعددی لازم است که تحقق آن به‌آسانی نیست. معیارهای تبدیل شدن یک کشور به جایگاه قدرت بزرگ را می‌توان در سه مورد بیان نمود:

اول، معیار مادی یعنی توانمندی نسبی یک کشور؛ دوم، معیار برداشت کم‌وبیش قاطعانه از خود، یعنی این‌که کشوری مدعی جایگاه قدرت بزرگ باشد؛ و سوم این‌که چنین جایگاهی از سوی دیگران و به‌ویژه از سوی گروه کشورهای هم‌تراز برایش به رسمیت شناخته شود.

(بوزان، ۱۳۹۰، ص. ۹۰)

بررسی منابع و مؤلفه‌های قدرت ایران، به‌ویژه قدرت معنوی و نرم انقلاب و اسلام و جذابیت‌های آن، قدرت نظامی و پیروزی در جنگ تحمیلی هشت ساله، توان بالای بازسازی کشور و دستیابی به فناوری‌های نوین و پیشرفته علی‌رغم تحریم‌های فزاینده نشان می‌دهد که ایران از توانمندی فزاینده‌ای جهت ایفای نقش قدرت بزرگ برخوردار است. در مورد معیار دوم، نگاهی به آموزه‌های جهانی اسلام و انقلاب، مسئولیت‌های فراملی و سیاست صدور انقلاب و اهداف بلندمدت سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که ایران دارای عزم قاطع جهت ارتقا به سطح قدرت بزرگ جهانی است. آنچه مسلم است تحقق معیار سوم، یعنی پذیرش ایران به‌عنوان قدرت بزرگ از سوی باشگاه قدرت‌های بزرگ در چهل سال گذشته، با موانع و محدودیت‌های زیادی مواجه بوده‌ایم، اما با فروپاشی نظام بین‌الملل دو قطبی، زمینه‌ها و فرصت‌های نوینی برای ظهور قدرت‌های بزرگ جدید فراهم گردید و ایران اسلامی توانست با افزایش توان و شاخصه‌های قدرت خود بر معادلات قدرت، نه تنها در زیرسیستم خود، بلکه بر سیستم جهانی تاثیرگذار باشد.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

پس آن‌گاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید "اسلام و استکبار" پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و





قادرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تاییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب‌آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت امکان‌پذیر نمی‌شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۳,۳. تبدیل ایران به کشور در حال پیشرفت

با تثبیت انقلاب و نظام‌سازی و مستقل‌شدن ایران اسلامی از نظام سلطه‌ی بین‌المللی، کشور از دولت توسعه‌نیافته به کشور در حال پیشرفت تبدیل شد. آمار و ارقام در زمینه‌ی تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه‌گذاری، که زیربنای توسعه و پیشرفت است، نشان‌دهنده‌ی حرکت علمی کشور جهت دستیابی به رتبه‌های اول کشورهای در حال توسعه و نزدیک‌شدن به سطح کشورهای توسعه‌یافته در فناوری‌های پیشرفته می‌باشد (رضایی میرفاندد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵، صص. ۵۰۱-۵۱۴).

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور "ما می‌توانیم" را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکای به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشا برکات بزرگ شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان هم‌چنین درباره‌ی مسیر آینده که بخش مهمی از آن ناظر به نحوه‌ی روابط خارجی است، می‌فرمایند: «ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود» (همان).

۳,۴. تغییر در موازنه‌ی قدرت منطقه‌ی غرب آسیا

تحول در معادله‌ی قدرت منطقه‌ای و حرکت به سمت نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا به نفع ملل مسلمان منطقه، از پیامدهای سرنوشت‌ساز روند چهل سال گذشته پس از انقلاب اسلامی است. نشانه‌های این تغییر در موازنه‌ی قدرت را می‌توان در گسترش قدرت ایران در منطقه به‌عنوان بازی‌گر عمده‌ی منطقه‌ای، بیداری اسلامی و شکست

سیاست‌های امریکا و شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه مشاهده نمود (دهشیری، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۸)، به‌گونه‌ای که تعیین سرنوشت منطقه بدون حضور ایران امکان‌پذیر نیست و واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهند که عمق استراتژیک قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافته است.

مقام معظم رهبری درباره افزایش قدرت منطقه‌ای ایران می‌فرمایند:

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است؛ اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن ساسات نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی شکست می‌خورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

پیامد روند گذشته‌ی انقلاب و دستاوردهای آن در سیاست خارجی اگرچه با تحمل هزینه‌ها و محدودیت‌ها همراه بوده، اما نه تنها در سطح ملی به حفظ استقلال کشور و جلوگیری از سلطه قدرت‌های خارجی بر کشور منتهی شده است، بلکه سطح قدرت کشور را هم در داخل و هم در سطح منطقه‌ای و جهانی افزایش داده است. در گام دوم انقلاب، تلاش جهت نهادینه کردن توازن جدید قدرت، حفظ استقلال کشور و دستیابی به جایگاه کشور توسعه‌یافته از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شود.

۴. پیش‌ران‌ها

پیش‌ران‌ها همان عوامل ایجادکننده یا شتاب‌دهنده‌ی روندها هستند. شناخت آن‌ها به ما کمک می‌کند ادامه روند موجود را تقویت نماییم و یا در صورت لزوم بر حسب شرایط در روند موجود تغییراتی را به‌وجود آوریم.





۴،۱. آموزه‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران و آموزه‌های آن، شکل‌دهنده‌ی جهت‌گیری‌ها و اهداف سیاست خارجی ایران در روند گذشته بوده است و در آینده نیز نقش اولیه را ایفا خواهد نمود. براین اساس نه‌تنها باید وجوه انقلابی سیاست خارجی حفظ شود، بلکه با توجه به شرایط جدید محیط منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است آموزه‌ها، مفاهیم و ادبیات سیاسی انقلاب مانند: استبدادستیزی، مقابله با ظلم و ستم، خودباوری، استقلال‌خواهی، عدالت‌خواهی، احترام متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با ملت‌ها و دولت‌ها حفظ و تقویت شود (دهشیری، ۱۳۹۰، صص. ۳-۵۵).

رهبر معظم انقلاب درباره‌ی انقلاب و حفظ آموزه‌های آن می‌فرماید:

اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهای صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

هم‌چنین می‌فرماید:

برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است. آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد. زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. (همان)

۴،۲. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی، معطوف به همه‌ی عرصه‌های انقلاب در سطوح ملی و سیاست خارجی است. اعتماد به نفس، تلاش همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیری ملت ایران باعث استمرار انقلاب، حفظ استقلال و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف گردید. مقام معظم رهبری جهت تبیین کار جهادی می‌فرماید: «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم" که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید» (همان).

هم‌چنین ایشان در رابطه با کار جهادی می‌فرماید: «کار جهادی و روحیه‌ی جهادی را

در همه‌ی عرصه‌های گوناگون فعالیت‌ها سرلوحه قرار بدهید. کار جهادی ضدّ تبلی است؛ ضدّ بی‌تفاوتی است؛ ضدّ امروز را به فردا انداختن است ... کار را در همه‌ی عرصه‌ها جهادی دنبال کنید» (همو، ۱۳۹۸/۷/۱۰).

۴,۳. قدرت جوانان

یکی از منابع قدرت کشور که انقلاب و توان سیاسی کشور را در همه‌ی عرصه‌های پرافتخار گذشته حمایت کرده است، قشر عظیم جوانان می‌باشند. پیروزی در جنگ هشت ساله، دستاوردهای بزرگ علمی و حضور فعال در انتخابات و راهپیمایی‌های سرنوشت‌ساز، مرهون مجاهدت جوانان سلحشوری است که همواره مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان می‌فرمایند: «نیروهای جوان به‌عنوان پیشران و لکوموتیو حرکت عمومی کشور می‌توانند در تحقق آرمان‌ها نقش مهمی داشته باشند» (همو، ۱۳۹۷/۳/۷).

باتوجه به مطالب فوق، پیش‌ران‌ها نقش بسیار موثری را در پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت انقلابی دارند. حفظ و گسترش آموزه‌های انقلاب در شرایط متحول جهانی نیازمند سیاست‌گذاری‌های نوین در سیاست صدور انقلاب، داشتن روحیه و عمل جهادی در جهت‌گیری‌ها و کنش سیاست خارجی است.

۵. موانع سیاست خارجی

سیاست خارجی ایران در روند گذشته‌ی خود با موانع و چالش‌های متعددی مواجه بوده است. برخی از موانع، مربوط به محیط عملیاتی سیاست خارجی یا نظام بین‌الملل، و بعضی دیگر ناشی از مسائل و روندهای سیاست داخلی است.





۵.۱. ساختار نظام بین الملل سلطه

در نظریه‌ی ساختارگرایی، ساختار نظام بین الملل محدودکننده‌ی سیاست خارجی دولت‌ها و به عنوان عامل محدودیت‌زا محسوب می‌شود. در ساختار نظام بین الملل دوقطبی به رهبری آمریکا و شوروی، دولت‌ها ناگزیر به تبعیت از بلوک‌های قدرت بودند و امکان بازیگر ثالث وجود نداشت. انقلاب اسلامی ایران در ساختار نظام بین الملل دوقطبی به وقوع پیوست و با انواع محدودیت‌های ساختاری مواجه گردید که جنگ تحمیلی و تحریم‌های آمریکا علیه ایران را می‌توان بخشی از آن محسوب نمود. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. (همو، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

آن چه مسلم است در روند آینده‌ی انقلاب نیز موانع ساختاری نظام سلطه‌ی جهانی در برابر سیاست خارجی ایران ادامه می‌یابد و شناخت این موانع و راهبردهای مواجهه با آن در گام دوم انقلاب حیاتی است.

۵.۲. بی‌توجهی و غفلت از جریان انقلابی

سطح دیگری از محدودیت‌ها و موانع سیاست خارجی ایران در مسیر تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب، نشأت گرفته از محیط داخلی و میراث عقب‌ماندگی است، اما از میان آن‌ها عدم پایبندی برخی از کارگزاران نظام اسلامی به ارزش‌ها و شعارهای انقلاب و نداشتن رویکرد انقلابی در روند چهل سال گذشته حائز اهمیت می‌باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیش‌تر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. (همان)

رهبر معظم انقلاب در ادامه می‌فرماید: «هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی‌ای پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای

تحقق آن‌ها» (همان).

درگام دوم انقلاب جهت نیل به اهداف سیاست خارجی لازم است فرصت‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی شناخته شود؛ نقاط قوت رفتارها و مواضع سیاست خارجی تقویت شود و اجماع میان کارگزاران جهت کنش انقلابی و غلبه بر موانع افزایش یابد.

۶. رویدادهای مؤثر بر روند سیاست خارجی

رویدادها، ناظر به وقایعی هستند که در آینده رخ خواهند داد. در این رابطه لازم است مشخص شود که چه رویدادهایی می‌توانند روند سیاست خارجی موجود را تقویت یا تضعیف نمایند؟ کم و کیف رویدادها باعث چه تغییراتی در روند سیاست خارجی خواهند شد؟ برای اساس با توجه به نشانه‌ها و روند تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان مهم‌ترین رویدادهای تاثیرگذار بر روند سیاست خارجی ایران را در دو سطح جهانی و منطقه‌ای بیان نمود. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، تغییرات عمده‌ی جهانی و منطقه‌ای سرنوشت‌ساز را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

۶.۱. نشانه‌های افول ابرقدرتی آمریکا

با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، ساختار نظام بین‌الملل دو قطبی به رهبری آمریکا و شوروی شکل گرفت؛ با گذشت زمان، حکومت شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید و پیامدهای گسترده‌ای را به همراه آورد. با از میان رفتن نظام شوروی، آمریکا در پی ایجاد نظام بین‌الملل تک‌قطبی برآمد، اما با چالش‌های متعددی مواجه شد. پل کندی (۱۳۷۰) در یک رویکرد تاریخی، درباره‌ی علل فروپاشی امپراطوری‌ها و قدرت‌های بزرگ گذشته نشان داده است که مهم‌ترین عامل افول قدرت‌های بزرگی مانند انگلستان زمانی رخ داد که میزان تعهدات‌شان در جهان بیش از توان آن‌ها بود. وی همچنین درباره‌ی حفظ مقام قدرت درجه‌ی اول آمریکا در دوره‌ی نظام دوقطبی معتقد بود این کشور باید در محک دو آزمایش قرار گیرد: «آیا آمریکا در زمینه نظامی - استراتژیکی می‌تواند در احتیاجات دفاعی خویش و امکاناتی که برای تامین آن احتیاجات و یا تعهدات دفاعی وجود دارد، تعادل و توازنی برقرار سازد؛ آیا می‌تواند پایه‌های تکنولوژیکی و اقتصادی خود را در قبال شیوه‌های دائم‌التغییر تولید جهانی حفظ نموده و از فروپاشی و اضمحلال آن جلوگیری کند؟» (ص. ۷۱۳). پاسخ وی به دو سوال فوق، منفی است؛ زیرا تعهدات استراتژیکی آمریکا حتی در زمان دوقطبی بیش از توان آن بوده است.





آن چه مسلم است پس از فروپاشی شوروی بر میزان تعهدات آمریکا افزوده شده است. این کشور متعاقب واقعه‌ی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ افغانستان و در سال ۲۰۰۳ عراق را اشغال نمود. مهمترین هدف آمریکا تک‌قطبی‌سازی ساختار نظام بین‌الملل بود، اما با صرف هزینه‌های فراوان به این هدف دست نیافت. عامل دیگری که حفظ جایگاه ابرقدرتی آمریکا را در قرن بیست و یکم ناممکن ساخته است، افزایش قدرت‌های رقیب این کشور است. شواهد و ارقام کشور چین نشان می‌دهد که این کشور در پی دستیابی به جایگاه قدرت بزرگ جهانی است (آزاد، ۱۳۷۸، صص. ۱۲۱-۱۳۱). روسیه نیز در صدد احیای اعتبار و موقعیت گذشته‌ی خود می‌باشد.

سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و تمایل به تمرکز مفرط قدرت از یک‌سو، و توسعه‌ی قدرت روسیه، چین و هند چشم‌اندازی از ساختار آینده‌ی نظام جهانی را نشان می‌دهد که آمریکا در جایگاه ابرقدرتی نخواهد بود. مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم به واقعیت افول ابر قدرتی آمریکا اشاره دارند و می‌فرمایند:

اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده، و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند؛ و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به‌پیش می‌رود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان درباره‌ی نشانه‌های رو به افول قدرت آمریکا می‌فرمایند:

غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاری‌های اقتصادی، ناکامی‌های بی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراض‌های عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی - که دامنه‌ی آن روزبه‌روز گسترده‌تر شده است - مبارزات و جان‌فشانی‌های مردم فلسطین و لبنان، قیام‌های دلیرانه‌ی مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه‌وهمه حامل بشارت‌های بزرگی برای امت اسلامی و به‌ویژه کشورهای انقلابی جدید است. (همو، ۱۳۹۰/۸/۱۴)

جنبه‌ی دیگر ضعف قدرت آمریکا مربوط به ناکارآمدی قدرت نظامی و استفاده از ابزار جنگ است که جایگاه ابرقدرتی آمریکا را به‌چالش کشیده است. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرمایند:

امروز در دنیای غرب، این جمع‌بندی، جمع‌بندی رایجی است که خیلی از افراد ذی‌نفوذ در غرب معتقدند که "جنگ" دیگر یک گزینه‌ی معتبر و باصرفه برای غرب نیست؛ امروز

خیلی از سیاسیون در آمریکا - عمدتاً در آمریکا، و [نیز] در برخی از کشورهای اروپایی - این را مطرح می‌کنند و می‌گویند که جنگ برای ما دیگر یک گزینه‌ی باصرفه نیست. معنای این همین است که توانایی‌های نظامی و اقتدار نظامی - امنیتی غرب کاملاً به‌چالش کشیده شده است. (همو، ۱۳۸۱/۷/۳)

۶،۲. نشانه‌های فروپاشی رژیم صهیونیستی

رویداد دیگری که آثار و پیامدهای گسترده‌ای برای منطقه و جهان اسلام به‌همراه دارد مربوط به اضمحلال قدرت رژیم صهیونیستی است. مطالعه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در ۱۴ می ۱۹۴۸ تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سطح قدرت این رژیم رو به تزاید بوده است. کشورهای عربی در جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ متحمل شکست شدند و در هر جنگی بخش‌هایی از سرزمین فلسطین اشغال شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمایت از ملت فلسطین به‌تدریج معادله‌ی قدرت تغییر یافت؛ نیروهای مبارز فلسطینی جان تازه‌ای گرفتند و ادبیات جهاد وارد مبارزه با رژیم صهیونیستی شد و ضعف قدرت این کشور به‌تدریج نمایان گردید. شیخ اسعد تمیمی یکی از رهبران فلسطین می‌گوید:

تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه‌ی نبرد غایب بود؛ حتی در عرصه‌ی واژگان. مثلاً به‌جای جهاد از کلماتی هم‌چون نضال و کفاح استفاده می‌شد. انقلاب ایران واقعیت قدیمی اسلام، راه‌حل و جهاد وسیله‌ی اصلی است، را به سرزمین فلسطین وارد کرد. (کدیور، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۴)

با تقویت روحیه‌ی جهادی مبارزان فلسطینی، شکل‌گیری انتفاضه‌ی اول در سال ۱۹۸۷، شکست صلح اسلو و مریلند و تهدیدات امنیتی، رژیم صهیونیستی را بیش از گذشته در معرض اضمحلال قرار داد و اگر تا این زمان معادله‌ی صلح در برابر سرزمین مطرح بود، به معادله‌ی صلح در برابر امنیت تبدیل شد. این مطلب را می‌توان در عقب‌نشینی نیروهای نظامی این رژیم از جنوب به‌صورت یک‌جانبه و بدون انعقاد هرگونه معاهده‌ای در ۲۴ مه ۲۰۰۰ مشاهده کرد. انتفاضه‌ی دوم، جنگ‌های ۲۲ و ۳۳ روزه غزه و شکست گنبد آهنین رژیم صهیونیستی در طول دو دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که نه‌تنها این رژیم نتوانسته است جایگاه قدرت نظامی و امنیت خود را حفظ نماید، بلکه در نوار غزه و کرانه باختری نیز با تهدیدات امنیتی فزاینده‌ای مواجه است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

به‌وضوح رژیم صهیونیستی خبیث، امروز ضعیف‌تر از گذشته است. چند سال قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب‌الله لبنان شکست خورد؛ ۳۳ روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد؛ دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها ۲۲ روز توانست مقاومت کند و شکست خورد؛ چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه ۸ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ در همین هفته‌ی اخیر ۲ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد. این ضعف رژیم صهیونیستی است؛ ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۹/۴)

مقام معظم رهبری درباره‌ی آینده‌ی فلسطین و سرانجام رژیم صهیونیستی می‌فرماید: «من به آینده‌ی فلسطین بسیار خوش‌بین هستم و معتقدم اسرائیل در سراسیمگی تند اقول و زوال حرکت می‌کند و ان‌شاءالله نابودی آن حتمی خواهد بود» (همو، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸). هم‌چنین فرمودند: «ان‌شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به‌نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت» (همو، ۱۳۹۴/۴/۱۸).

۶,۳ همکاری راهبردی ایران و روسیه و ائتلاف جدید

رویداد دیگری که بیان‌گر شکل‌گیری نظم نوین فرامنطقه‌ای و جهانی است، مربوط به تشکیل ائتلاف جدید ایران، روسیه، چین و هند است. روابط ایران و روسیه متعاقب همکاری‌های دو کشور جهت مقابله با تروریسم و مهار داعش وارد مرحله‌ی نوینی شده، و با ورود مستشاری ایران به سوریه و حمایت پوتین از بشار اسد در ابعاد سیاسی و نظامی، ابعاد راهبردی به‌خود گرفته است. این روابط راهبردی با رزمایش مشترک ایران، روسیه و چین در آب‌های دریای عمان و اقیانوس هند در دسامبر ۲۰۱۹ نشان‌دهنده‌ی عزم سه کشور در شکل‌دهی به ائتلاف جدید و نهادینه‌ساختن آن در ساختار نظام بین‌الملل آینده است. اگر در مراحل بعد، هند هم به این ائتلاف اضافه شود، بیان‌گر افزایش قدرت مانور این ائتلاف در نظام بین‌الملل آینده خواهد بود و فرصت‌های زیادی را برای سیاست خارجی ایران ایجاد خواهد کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری روسیه به ایشان می‌فرماید: «تجربه‌ی خوب همکاری در سوریه نشان داد اهداف مشترک قابل تحقق است». ایشان در این دیدار خاطر نشان ساختند: می‌توان با روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ درباره‌ی کارهای بزرگ و نیازمند عزم و تلاش، صحبت و همکاری منطقی کرد». معظم‌له گسترش روابط چندجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای با روسیه را تأیید نمودند. رئیس‌جمهور روسیه نیز در این دیدار تأکید کرد: ایران را "شریکی استراتژیک" و



"همسایه‌ای بزرگ" می‌دانیم و از هر زمینه و فرصتی برای گسترش و تحکیم همه‌جانبه‌ی روابط استفاده می‌کنیم (همو، ۱۳۹۶/۸/۱۰).

آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با ظهور قدرت‌های جدید جهانی می‌فرماید:

قدرت‌های جدیدی هم که در آسیا و در شرق ظهور کردند - مثل قدرت چین، مثل قدرت هند، دلیل بر این است که نظم قبلی جهانی دیگر قابل استمرار نیست که غربی‌ها مدیریت جهان را به‌دست بگیرند. وضع جدیدی در حال شکل‌گیری است که البته هنوز هم شکل نگرفته است. (همو، ۱۳۸۱/۷/۳)

۶.۴. پیروزی نهایی محور مقاومت

شکل‌گیری محور مقاومت در روند موجود و ایفای نقش کلیدی آن در نظم نوین منطقه‌ای غرب آسیا، از رویدادهای آینده است. این پیروزی به‌مفهوم نقش‌آفرینی نیروهای درون منطقه‌ای و پررنگ‌شدن تعاملات افقی به‌جای روابط عمودی در جهت تامین منافع امت اسلامی است. در افق آینده، روابط یک‌سویه‌ی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای با کشورهای منطقه از میان برداشته می‌شوند و نظم جدیدی توسط ملت‌ها و دولت‌های مستقل شکل می‌گیرد. مقام معظم رهبری در رابطه با پیروزی‌های محور مقاومت در چهل سال گذشته می‌فرماید:

ایستادگی هشت‌ساله‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران در دفاع مقدس، چیز کوچکی نبود؛ حادثه‌ی بسیار مهمی بود. این نشان داد که توانایی‌های نظامی و امنیتی قدرت‌های مسلط بر عالم قادر نیستند از ایستادگی یک ملت بکاهند یا به آن ضربه بزنند و این خواهد توانست خودش را بر آن‌ها تحمیل کند؛ کم‌این که تحمیل کرد. بعد هم دیگر حوادث منطقه، حوادث فلسطین، حوادث لبنان، جنگ سی‌وسه روزه، جنگ بیست‌ودو روزه، جنگ هشت روزه‌ی غزه، و این جنگ اخیر پنجاه روزه‌ی غزه که واقعاً جزو نمونه‌های معجزه‌آسا است... این‌ها نشان می‌دهد که اقتدار و برتری نظامی-سیاسی غرب به‌معنای واقعی کلمه به‌چالش کشیده [شده است]. (همو، ۱۳۸۱/۷/۳)

ایشان در رابطه با مسیر آینده می‌فرمایند:

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتکاء بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست. خدای متعال وعده فرموده است، با تأکید فرموده است: "وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ"؛ با تاکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است... و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است. (همو، ۱۳۹۷/۹/۴)



۷. آینده‌ی متصور یا مطلوب

تصویر آینده‌ی مطلوب یا مرجح، معطوف به شرایط و موقعیتی است که در پی دستیابی به آن هستیم. برای ترسیم آینده‌ی مطلوب لازم است به منابع ارزش‌ها، اندیشه‌ی رهبران، اسناد بالادستی از یک‌سو، و پویش محیطی از سوی دیگر توجه نماییم. با توجه به اندیشه‌ی مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز می‌توان آینده‌ی مرجح را در قلمرو سیاست خارجی به صورت زیر بیان نمود:

۲،۱. تحقق تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با اهداف و آرمان‌های بزرگی به پیروزی رسید و وارد مرحله‌ی نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی شد. آنچه مسلم است، تحقق این تمدن صرفاً ناظر به مرزهای ایران اسلامی نیست و قلمرو گسترده‌ی جهان اسلام را دربرمی‌گیرد و برای همه‌ی مردم جهان پیام‌آور و نویدبخش است. براین اساس تحقق این هدف، بخش مهمی از الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب است که باید در سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد. مقام معظم رهبری در این رابطه در خطاب به جوانان می‌فرماید:

دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیش‌تر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفسانه) است، نزدیک کنید. (همو، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

هم‌چنین ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

ما به برکت اسلام یک راه سوّمی را به دنیا پیشنهاد کرده‌ایم؛ نه راه سوسیالیستی در اقتصاد و تبعات اقتصاد، نه راه لیبرال دموکراسی غرب با تبعات و خصوصیاتِی که دنبالش هست؛ یک راه سوّمی ما داریم. ... منتها می‌توانیم این راه سوّم را درست معرفی کنیم، درست مشی کنیم، درست حرکت کنیم و با عمل خودمان، با سخن منطقی خودمان، دل‌هایی را جذب کنیم به این سمت، به این راه. نه حالا لزوماً به خودمان یا به کشور خودمان؛ به این حرکت عظیم مهمّی که می‌تواند برای بشریت سودمند باشد و از نفوذ فرهنگ غربی که روزبه‌روز دارد منحط‌تر می‌شود، کشورها را نجات بدهیم. (همان)

ایشان با اشاره به سابقه‌ی شکل‌گیری تمدن غرب می‌فرمایند: «امروز نوبت ما است؛ امروز نوبت اسلام است. "وَلِکَ الْاِیَّامُ نُدَاوِلُهَا بَیْنَ النَّاسِ". امروز نوبت مسلمین است که

با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند» (همو، ۱۳۹۴/۱۰/۸). آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به روند آینده می‌فرماید: «من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (همو، ۱۳۸۷/۹/۱۷).

۷,۲. تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام

ایران اسلامی و جهان اسلام زمانی می‌توانند در معادلات قدرت جهانی تاثیرگذار باشند که در آینده‌ی مرجح به سطح قدرت‌های بزرگ در قالب "قطب جهان اسلام" دست یابند. در شرایطی که نظام دوقطبی از میان رفته و ساختار نظام بین‌الملل هم‌چنان نهادینه نشده است، فرصت و زمینه‌ی مناسبی برای همگرایی کشورهای اسلامی جهت شکل‌دهی به قطب جهانی قدرت وجود دارد؛ ایران اسلامی می‌تواند برای رسیدن به این هدف در گام دوم انقلاب بیش از گذشته ایفای نقش نماید. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: مسلمانان برای این که بتوانند مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند؛ و این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی به دست نخواهد آمد. این وصیت فراموش‌نشده‌ی امام خمینی عظیم است... خطرهایی برای کشورهای اسلامی متصور است و نجات از آن، جز با تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام میسر نیست. (همو، ۱۳۹۰/۸/۱۴)

۷,۳. دست‌یابی به جایگاه کشور توسعه‌یافته و قدرت بزرگ منطقه‌ای

تدوین چشم‌انداز به‌عنوان سند بالادستی ترسیم‌کننده‌ی آینده‌ی مرجح در افق معینی است که ایران اسلامی باید به آن دست یابد. سند چشم‌انداز که تا افق ۱۴۰۴ را ترسیم نموده است، می‌تواند در بخش‌هایی که هم‌چنان تا رسیدن به آن فاصله وجود دارد، معیار بخشی از آینده‌ی مرجح گام دوم انقلاب اسلامی باشد. در این سند آمده است: آن‌چه مسلم است گام‌های جدیدی جهت نیل به اهداف سند باید در چهل سال دوم انقلاب برداشته شود تا ایران در سطح منطقه‌ای، قدرت اول اقتصادی باشد و در سطح بین‌المللی بر معادلات قدرت جهانی تاثیر تعیین‌کننده بگذارد.

۸. راهبردهای نیل به وضع مطلوب

آینده‌ی مرجح ناظر به وضعیت آرمانی انقلاب و ارزش‌های بنیادین اسلامی است که در سیاست خارجی باید به آن رسید. تعیین راهبردها می‌تواند گام موثری در این زمینه باشد.





برگشت به زمان حال و اتخاذ اقدامات برای تحقق بخشیدن به سیاست خارجی مطلوب، از الزامات آن است. در این زمینه راهبردهایی مانند واقع‌نگری، انقلابی‌بودن، مقاومت فعال، درون‌گرایی، دشمن‌شناسی، دیپلماسی فعال، خوش‌بینی به آینده قابل مطالعه است که به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۸.۱. راهبرد واقع‌نگری یا شناخت درست گذشته

بدون شناخت صحیح روند گذشته و پیامدهای آن نمی‌توان به آینده‌ی مطلوب دست یافت. شناخت واقعیت‌ها و مسیر طی شده به مفهوم دریافت تجربه‌ها و پیشرفت‌ها و حفظ آن‌ها از آسیب‌ها و تهدیدهای فراروی انقلاب است. از این طریق می‌توان به مسیر آینده امیدوار شد و کاستی‌های آن را جبران نمود. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: جهت ترسیم نقشه‌ی راه برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. ره‌زنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید. (همو، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

معظم‌له جهت فهم درست از روند گذشته انقلاب، به مقایسه انقلاب ایران با انقلاب‌های بزرگ جهان اشاره دارند و می‌فرمایند: «عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران آن‌گاه به‌درستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی هم‌چون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود» (همان).

۸.۲. راهبرد انقلابی مبتنی بر نظریه‌ی دولت انقلابی

روند گذشته‌ی انقلاب و سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که تجارب و دستاوردهای زیادی که در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌دست آمده، مرهون راهبرد انقلابی و عمل جهادی است و در آینده‌ی مرجح نیز حفظ و به‌کارگیری آن الزامی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

اصرار آن‌ها این است که جمهوری اسلامی از منش انقلابی، یعنی همین که ما به آن توصیه می‌کنیم که نگاهش دارید، دست بردارد. می‌گویند بیا باید بشوید یک کشور عادی. یک کشور عادی یعنی یک کشوری منطبق با سازوکار جهان سلطه ... این راه را ما قطعاً ادامه خواهیم داد؛ راه انقلابی‌گری، راه مقابله و مواجهه‌ی با نظام سلطه. (همو، ۱۳۹۸/۷/۱۰)

ایشان انقلابی بودن را از افراطی بودن متمایز می‌سازند و برای انقلابی بودن، پنج شاخص از جمله "جهاد کبیر" را بیان می‌فرمایند (همو، ۱۳۹۵/۳/۱۴). در این زمینه از نظام انقلابی دفاع می‌کنند که یک سطح از آن مربوط به نحوه رفتار دولت در محیط عملیاتی یا نظام بین‌المللی است. زیرا سیاست خارجی کشورها با توجه به ماهیت نظام سیاسی آنها متفاوت است. کشورهایی که رسالت انقلابی برای خود قائل هستند، دارای مسئولیت‌های فراملی‌اند؛ کشورهای غیرانقلابی نیز دارای سیاست خارجی عادی هستند و عموماً روحیه‌ی محافظه‌کارانه دارند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (همان).

آنچه مسلم است در گام دوم لازم است نظریه‌ی نظام انقلابی و سیاست خارجی آن تدوین شود و این نظریه به‌عنوان چهارچوب نظری پشتیبان سیاست‌ها، راهبردها و رفتارهای سیاست خارجی ایران قرار گیرد.

۸.۳. راهبرد خوشبینانه و امید به آینده

ذهنیت‌ها و تصاویر خوش‌بینانه یا بدبینانه، آینده‌های متفاوتی را در سیاست خارجی به‌همراه می‌آورد. مطالعه‌ی روند گذشته، پیامدها و قابلیت‌ها نشان دهنده‌ی افق‌های روشن برای آینده‌ی انقلاب و ملت ایران است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این‌جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمت‌گزار، به مراتب بیش‌تر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به‌سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید. (همو، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

معظم‌له در بیان دیگری فرموده‌اند: «مسیر آینده به‌دشواری گذشته نیست که باید طی شود... ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است» (همان). ایشان در مقایسه‌ی چهل سال اول با چهل سال دوم انقلاب می‌فرمایند:

ملاحظه‌ی دشمن را از این جهت نکنید؛ یعنی واقعاً آن چه در چهل سال اول نتوانستند انجام بدهند، در چهل سال دوم هم به توفیق الهی نمی‌توانند انجام بدهند و چهل سال دوم برای ما از چهل سال اول بهتر و برای آن‌ها بدتر خواهد بود؛ این را مطمئن باشید و تردید در این نکنید. (همان)

باتوجه به مطالب فوق الزامات سیاست خارجی ایران را در گام دوم انقلاب در قالب

روندها، پیامد روندها، موانع، پیش‌ران‌ها، رویدادها، آینده‌ی مرجح و راهبردهای نیل به آن می‌توان در جدول زیر ترسیم نمود:



| ردیف | مراحل | سطح ملی | سطح منطقه‌ای | سطح بین‌المللی | وجوه الزامات در سیاست خارجی |
|------|------------|--|---|--|--|
| ۱ | روند | استقلال‌خواهی | حمایت از ملت فلسطین، نظم نوین منطقه‌ای، امنیت درون منطقه‌ای | مقابله با استکبار، سازش‌ناپذیری، حمایت از ملل تحت ستم، برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورها | مطالعه همه‌جانبه‌ی روند گذشته، شناخت نقاط قوت‌ها و ضعف‌ها، تقویت روند مثبت گذشته |
| ۲ | پیامد روند | تامین منافع ملی | تغییر موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای | شکل‌گیری نظام سه‌قطبی، دوگانه استکبار و اسلام، جلوگیری از سلطه قدرت‌های خارجی بر کشور | حفظ دستاوردهای سیاست خارجی، نهادینه‌کردن موازنه‌ی جدید قدرت |
| ۳ | پیش‌رانها | آموزه‌های انقلاب اسلامی، مدیریت و روحیه جهادی، قدرت جوانان | احزاب و جنبش‌های اسلامی درون منطقه‌ای: حزب الله لبنان، راهپیمایی زیارت اربعین | فروپاشی ساختار دوقطبی جهانی، برقراری روابط استراتژیک با روسیه | تدوین سیاست صدور انقلاب با شرایط نوین جهانی، تقویت روحیه انقلابی و جهادی، حمایت از بیداری اسلامی، نهادینه کردن روابط راهبردی ایران و روسیه |



| | | | | | |
|---|--|--|--|------------|---|
| شناخت فرصت‌های بین‌المللی جهت دستیابی به پیشرفت، کنترل تهدیدهای فراملی و جهانی | ساختار نظام بین‌الملل سلطه | دولت‌های دست‌نشانده | عقب‌ماندگی و نابه‌سامانی داخلی، غفلت از جریان انقلابی | موانع | ۴ |
| شناخت نشانه‌ها و روندهای تحقق رویدادها و حمایت از آن‌ها، ترسیم چالش‌های فرارو، تعیین اهداف و راهبردهای آینده | نشانه‌های افول ابرقدرتی آمریکا، نهادینه‌شدن ائتلاف ایران+روسیه+هند+چین | فروپاشی رژیم صهیونیستی، پیروزی نهایی محور مقاومت | محقق‌شدن مراحل دولت‌سازی و جامعه‌سازی اسلامی | رویدادها | ۵ |
| تقویت روابط سازنده با کشورها، ایجاد و نهادینه‌کردن اتحادیه‌های سیاسی و امنیتی در میان کشورهای اسلامی، ممانعت از امنیتی‌شدن کشور | رسیدن به جایگاه کشورهای پیشرفته جهانی، تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام | نهادینه‌شدن قدرت بزرگ منطقه‌ای | دستیابی به تمدن نوین اسلامی | آینده مرجع | ۶ |
| تدوین نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی، نظریه مقاومت فعال، رویکرد خوش‌بینانه در رسیدن به هدف | به‌کارگیری دیپلماسی فعال، دیپلماسی اقتصادی و عمومی | تقویت روند منطقه‌گرایی نوین | واقع‌نگری و شناخت درست گذشته، حفظ روحیه انقلابی و عمل جهادی، درون‌گرایی، خوشبینی و امید به آینده | راهبردها | ۷ |

نتیجه

سیاست خارجی ایران در روند چهل سال گذشته با فرصت‌ها و محدودیت‌های متعددی مواجه بوده و دستاوردهای زیادی نیز به‌همراه داشته و توانسته است علی‌رغم موانع محیطی، منافع ملی کشور را تأمین نماید. مطالعه‌ی بینامیهی گام دوم که معطوف به



جهت‌گیری‌ها و راهبردهای نیل به اهداف سیاست خارجی کشور در آینده است، بیان‌گر خطوط راهنما و روندهایی است که سیاست خارجی ایران لازم است جهت تامین منافع کشور با قدرت بیش‌تری طی کند.

در این مقاله با رویکرد آینده‌پژوهانه مهم‌ترین الزامات سیاست خارجی گام دوم انقلاب از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین گردید. بدین منظور الزامات سیاست خارجی ایران با توجه به روندها، پیامد روندها، پیش‌ران‌ها، موانع و رویدادهای موثر بر روند بررسی گردید. در مطالعه‌ی روندهای گذشته به استکبارستیزی، حمایت از ملل محروم و مستضعف و برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورها پرداخته شد. مطالعه‌ی واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌ی روند گذشته و شناخت نقاط قوت و ضعف آن به منظور تقویت موارد قوت و مثبت و رفع نارسایی‌ها از الزامات سیاست خارجی در این مرحله می‌باشد.

از سوی دیگر، استمرار این روند در چهل سال گذشته پیامدهای متعددی را برای کشور به همراه داشته است. حفظ استقلال کشور و جلوگیری از سلطه‌ی قدرت‌های خارجی بر کشور، ورود بازی‌گر ثالث به روابط بین‌الملل و تعریف قطب جدید قدرت و شکل‌گیری دوگانه‌ی استکبار و اسلام، افزایش قدرت کشور و رتبه‌بندی در ردیف کشورهای در حال توسعه، تغییر در موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای و ظهور ایران به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه‌ای از مهم‌ترین روند گذشته سیاست خارجی بوده است. در این رابطه لازم است دستاوردهای روند گذشته حفظ و تقویت شوند و در سطح منطقه‌ای، سیاست‌گذاری‌ها به سمت نهادینه کردن موازنه‌ی قدرت نوین معطوف گردد.

سیاست خارجی ایران در روند گذشته‌ی خود با موانعی در پیش‌ران‌هایش مواجه بوده است. در سطح بین‌المللی، ساختار نظام بین‌المللی سلطه و در سطح داخلی، مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی از یک سو، و بی‌توجهی و غفلت برخی از کارگزاران از جریان انقلابی از مهم‌ترین موانع راه بوده است. بدین منظور لازم است هرچه بیش‌تر، فرصت‌های بین‌المللی جهت غلبه بر موانع شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار گیرند و راهبردهای کنترل تهدیدهای فراملی و جهانی معین شود.

پیش‌ران‌ها و عوامل شتاب‌زا نیز باعث به‌پیش‌راندن روند انقلاب در سیاست خارجی شده است. در این زمینه به آموزه‌های انقلاب اسلامی، مدیریت و روحیه‌ی جهادی و قدرت و نیروی جوانان در عرصه‌های مختلف انقلاب می‌توان اشاره کرد. در این رابطه لازم است سیاست صدور انقلاب با توجه به شرایط نوین جهانی تدوین شود؛ روحیه‌ی

انقلابی و عمل جهادی تقویت شود؛ از روند بیداری اسلامی حمایت گردد و جهت نهادینه کردن روابط راهبردی ایران و روسیه سیاست‌های لازم اعمال شود. وجه دیگر روندهای سیاست خارجی ناظر به رویدادها یا رخداد‌های مؤثر بر روند در آینده است. در این رابطه به نشانه‌های فروپاشی قدرت امریکا، افول رژیم صهیونیستی، پیروزی نهایی محور مقاومت پرداخته شد. شناخت نشانه‌ها و روندهای تحقق رویدادها و حمایت از آنها، ترسیم چالش‌های فرارو، تعیین اهداف و راهبردهای آینده از الزامات سیاست خارجی است.

بخش دیگر الزامات سیاست خارجی ایران مربوط به ترسیم آینده‌ی مرجح سیاست خارجی در گام دوم انقلاب است. با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری به سه مورد: دستیابی به تمدن نوین اسلامی، ارتقای جایگاه ایران به سطح کشور پیشرفته، و ایجاد بلوک قدرتمند جهان اسلام پرداخته شد. در این رابطه، تقویت روابط سازنده با کشورهای ایجاد و نهادینه کردن اتحادیه‌های سیاسی و امنیتی و ممانعت از امنیتی‌شدن کشور از الزامات سیاست خارجی خواهد بود.

باتوجه به موارد فوق، در پایان به راهبردهای نیل به آینده‌ی مرجح در سیاست خارجی پرداخته شد. در این رابطه نیز شناخت درست روند گذشته، حفظ روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی، بالفعل کردن ظرفیت‌ها، توجه به داخل جهت حل مشکلات، تدوین نظریه‌ی سیاست خارجی دولت انقلابی و نظریه‌ی مقاومت فعال مورد دقت و تامل قرار گرفت.



منابع

- احمدی، ا؛ قاندى، ز. و خوشحال، ا. (۱۳۹۵). آینده پژوهی، مفاهیم، روش‌ها، کاربردها. تهران: جهاد دانشگاهی.
- آزاد، بهنام. (۱۳۷۸). جایگاه چین در نظام جدید بین‌المللی. تهران: امیرکبیر.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران. (۱۳۹۰). نواندیشی برای هزاره نوین، مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده پژوهی. (ع. ملکی‌فر، ا. ابراهیمی و. وحیدی مطلق، مترجمین). تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک.
- بوزان، ب. (۱۳۹۰). ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ، سیاست جهانی در قرن بیست و یکم. (ع.م. حیدری، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توکل، م. (۱۳۷۹). انتفاضه‌ی دوم از آغاز تا سقوط باراک، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها. در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال چهاردهم، شماره ۱۵.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۹۴). نرم‌افزار حدیث ولایت. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، ع. (بیانات رهبری از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸). قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir>
- خامنه‌ای، ع. (۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه‌ی گام دوم. قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- دهشیری، م.ر. (۱۳۹۰). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل. تهران: علمی و فرهنگی.
- رضایی میرقائد، م. و مبینی دهکردی، ع. (۱۳۸۵). ایران آینده در افق چشم‌انداز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زالی، ن. (۱۳۹۲). آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کدیور، ج. (۱۳۷۹). رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا. تهران: اطلاعات.
- کندی، پ. (۱۳۷۰). پیدایش و فروپاشی قدرت‌های بزرگ. (ع.ر. غفرانی، مترجم). تهران: اطلاعات.
- Alikhani, H. (2000). *Sanctioning Iran. Anatomy of a Failed policy*. London: I.B.Tauris.
- Hiro, D. (1989). *The Longest war: The Iran-Iraq Military Conflict*. London: carlton Books.





References

- Ahmadi, A., Qaeda, Z., and Shad, A. (1395 SH). Future research, concepts, methods, applications. Tehran: Academic Jihad.
- Azad, Behnam. (1378 SH). China's position in the new international system. Tehran: Amir Kabir.
- Slatar, Richard et al. (1390 SH). Thinking about the new millennium, concepts, methods, and ideas for future research. (A. Malekifar, A. Ebrahimi, and V. Vahidi Motlaq, Trans.s). Tehran: Defense Industry Training and Research Institute, Center for Strategic Studies and Planning.
- Buzan, b. (1390 SH). The United States and the Great Powers, Global Politics in the 21st Century. (Um Heidari, Trans.). Tehran: Center for Strategic Studies.
- Tavakol, M. (1379 SH). The Second Intifada From the Beginning to the Fall of Barack, Views and Analysis. In The Office of Political and International Studies, Fourteenth Year, No. 15.
- Khamenei, A. (1394 SH). Provincial Hadith Software. Tehran: Cultural Revolution Institute of Islamic Revolution.
- Khamenei, A. (Leadership Statements from 2015 to 1986). Available at:
 - Khamenei, A. (22/11/97). The second step statement. Available at:
 - Dehshiri, M.R. (1390 SH). The Conceptual and Theoretical Reflection of the Islamic Revolution of Iran in International Relations. Tehran: Scientific and Cultural.
 - Rezaei Mirghad, M., & Mobini Dehkordi, A. (1385 SH). Iran's future on the horizon. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
 - Zali, N. (1392 SH). Strategic Forecasting in Regional Planning and Development. Tehran: Institute for Strategic Studies.
 - Kadivar, J. (1379 SH). Confronting the Islamic Revolution of Iran and the United States. Tehran: Information.
 - Kennedy, P. (1370 SH). The rise and fall of the great powers. (AR Ghafrani, Trans.). Tehran: Information.